

عوامل مؤثر در بروز مصیبت و نقش عدالت از دیدگاه آیات و روایات - صدیقه نصیراوغلی خیابانی، ناهید رئیسی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال سیزدهم، شماره 51 «و ژه عدل المهی»، تابستان 1395، ص 87 - 109

عوامل مؤثر در بروز مصیبت و نقش عدالت از دیدگاه آیات و روایات

صدیقه نصیراوغلی خیابانی [×](#)

ناهید رئیسی [××](#)

چکیده: هدف از ابتدایی پد امبران و اولیای المهی به مصایب، استحقاق بیشتر آنان برای کسب درجات است، اما هدف از ابتدایی انسان‌های عادی، تذکر، توبه و کفار گناهان یا آزمون المهی و یا رشد و تکامل آنهاست. پس حوادث و مصایب تلخ و ناگوار زندگی، افراد را در مسیر رشد و کمال، یا زیان و ضلال قرار می‌دهند تا سره از ناسره شود جدا و تمامی شعارها و ادعاهای با اعمال آزموده، درجه صبر و شک با آسکار و عاران همان افراد معلوم گردد. در این مقاله، عوامل مصیبت با استناد به آیت قرآن و روایات معصومین بررسی می‌شود تا روشن گردد که آیا مصیبت از جانب خداوند بوده و با عدالت او ناسازگار است و یا خود انسان نیز در آن نقش دارد؟ و مهم‌ترین عوامل مؤثر در بروز مصایب کدام‌اند؟

کلیدواژه‌ها: مصیبت، ابتلا، قرآن، صبر، عدالت.

## مقدمه

انسان طی قرون و اعصار هرگز از مصایب به دور نبوده و نحوه برخورد او با آنها بستگی به شخصیت وجودی، معرفت الله و معرفت المنفس اش داشته است. معرفت الله به شناخت او از خداوند تبارک و تعالی و حکمت پنهان در هر مصیبتی که بدون دخالت انسان اتفاق می افتد منجر می شود و معرفت المنفس به شناخت او از نفس "ضعیف"، اصابت موجب، قصور و تقصیر، گناه انجام، ناسپاسی با خود که انجام می آید، "هلوع"، "جهول"، مصیبت می گردد.

همان گونه که نعمت های الهی بستر آزمون انسان هاست تا میزان شکر آنها هویدا شود؛ نعمت ها، ناکامی ها، ناداری ها و کاستی ها نیز زمینه ساز آزمایشی هستند که میزان صبر و شکیبایی و عیار ایمان انسان ها را مشخص می کند و موجب گزینش بهترین ها می شود.

سنگ طلائی استخراج شده از معدن در کوره آتش، ذوب می گردد، ناخالصی اش جدا می شود و طلائی خالص به دست می آید. انسان ها نیز در کوره ناملایمات و مصیبت های زندگی و بلاها و سختی ها خالص تر می شوند و ناخالصی های نفسانی آنها کنار می رود.

اصابت مصیبت در مواردی که انسان نقشی در آن نداشته باشد، با عدالت خداوندی در تناقض نیست، بلکه در صورت برخورد صحیح انسان می تواند باعث افزایش درجه خلوص، قرب بیشتر الهی، اجر معنوی و درس آموزی به دیگران شود. همچنان که حضرت علی 7 می فرماید:

ان المباء للظالم ادب و للمؤمن امتحان و للأنبىء درجة و للأولء كرامة (تفسیر منسوب به امام حسن عسکری 7، 1409 ق: ص 631)

بلا بر ظالم ادب نمودن، برای مؤمن امتحان، برای انبیا درجه، و برای اولاد، کرامت است.

المبته برخورد نادرست، ناشکیبایی و اعتراض و برخورد از موضع ضعف نیز می تواند به عوارض بسیاری از جمله بیماری و ضعف و شکست بیانجامد. قرآن کریم و روایات اهل بیت: در مورد مصیبت و برخورد صحیح با آن بهترین شارح و راهنما است که پیروی از آنها در این مورد به سعادت انسان منجر می شود.

## معنای لغوی و اصطلاحی مصیبت

«مص به»<sup>1</sup>، اسم فاعل باب افعال از ماد «ص و ب» به معنای رسدن چ زنی از بالا (فراهمیدی، 1409 ق: ج 7 ص 167)، نزول شعله و استقرار افتن آن در محل و جا نگاهش می‌باشد، مانند نزول باران. (ابن فارس، بی تا: ج 3 ص 318؛ مصطفوی، 1368 ش: ج 6 ص 354)

اما در معنای مصبت، رانغب، اصل واژه مصبت به را در تارانداختن دانسته و سپس آن را مخصوص سختی و دشواری معنا کرده است. (رانغب، 1412 ق: ص 495)

معنای دیگری که برای این واژه بیان شده، عبارتند از: آنچه از زمانه به انسان اصابت می‌کند (ابن منظور، 1414 ق: ج 1 ص 314)، امور مکروه و ناپسند (طریحی، 1375 ش: ج 2 ص 101)، بلا، سختی و هر چه شامد بد (بستانی، 1375 ش: ص 381)، و بلیه و گرفتاری که به انسان می‌رسد، گوئی که انسان را قصد می‌کند. (قرشی، 1377 ش: ج 4 ص 159)

اما مصبت به در اصطلاح قرآن و روایات، عبارت است از هر واقعه‌ای که آدمی با آن روبه‌رو شود - چه خیر و چه شر - اما کن جز در وقتا مکروه و ناراحت کننده استعمال نمی‌شود. (رانغب، 1412 ق: ج 2، ص 436؛ ابن منظور، 1414 ق: ج 1، ص 534؛ طریحی، 1375 ش: ج 2، ص 101) همچنین به مشقّتی که در روح انسان اثر می‌کند گفته‌اند. (طبرسی، 1412 ق: ج 2، ص 128)

## وجوه معنایی مصیبت در قرآن

واژه «مصیبت»<sup>2</sup> 10 بار و در 9 سوره قرآن کریم به کار رفته که بیشتر به معنای فرارسیدن زمان مرگ بوده است: فَأَصَابَتْ كُمْ مَصِيبَةٌ أَلَمْ تَوْتُوا (المائدة: 106)، یا رنج و سختی و بلا یا: وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مَصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ (المشوری: 30)

## حققت مصبت

طبق بحث زندگی، جاذب مصبت‌ها و سختی‌ها و پشامدهاست. آفرینش انسان بنا بر اینست که عناصرش را درد و غم و سختی و مصبت و دشواری و بلا و ابتلا تشکیل داده است. اگر برخورد انسان با مصائب و رنج‌ها و سختی‌ها هماهنگ با دستورات حضرت حق باشد، سعادت همه جانبه انسان در پرتو آن تضمین می‌گردد.

حضرت علی<sup>7</sup> در خطبه<sup>۱</sup> متقن در مورد مردان خدا می فرماید:

صبروا آی آما قص رة أعقبتهم راحة طو لمة، تجارة مربحة س رها لهم ربهم. أرادتهم المدنة ا قلم ر دوها وأسرتهم ففدوا انفسهم منها. (نهج البلاغه، خ 193)

در روزگار کوتاه دنیا، صبر کردند، آنگاه تا آسایش و راحتی جاوید را به دست آورند، تجارتی پرسود که پروردگارشان فراهم فرموده است. دنیا می خواست آنها را بفریبد، اما عزم دنیا نکردند، می خواست آنها را اسیر خود گرداند، که با فدا کردن جان، خود را آزاد ساختند.

پس یکی از صفات برجسته<sup>۲</sup> اهل تقوا، بردباری در مصیبت ها است.

## منشأ مصیبت

قرآن کریم منشأ مصیبت را در برخی موارد، از جانب خود انسان معرفی می کند:

وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ (المشوری: 30)  
و هر [گونه] مصیبتی به شما برسد به سبب دستاورد خود شماست، و [خدا] از بسیاری در می گذرد.

در این خصوص، منشأ مصیبت را در دو عامل زیر می توان جستجو کرد:

## الف) قصور و سوءتدبیر

گاهی انسان - خواسته اناخواسته - در اصولی کوتاهی نموده و ا به واسطه<sup>۳</sup> سوءتدبیر، سرنوشت خود ا دگران را تغیر می دهد. سزاوار است در برخورد با این گونه اشتباهات، علاوه بر جبران ماافات، از پروردگار حکیم درخواست توفیق قامت بیشتر نماید.

## ب) گناهان

اهل المؤمنین<sup>7</sup> در این زمینه می فرماید:

توقوا الذنوب، فما من بلاة ولا نقص رزق الا بذنب حتی الخدش و المكوبة و المصيبة. (مجلسی، 1403ق: ج 70، ص 350)

از گناهان پرهیز کنید که هر چه بلا و کمبود روزی ای نسبت مگر به خاطر گناهی (که انجام می دهید)، حتی خراشی که بر بدن وارد می شود، لغزیدن و به زخم خوردن (شما) و مصیبتی که بر روح و پیکرتان وارد می گردد (از آثار گناهان شماست).

امام صادق 7 می فرماید:

اما انّه لس من عرق ضرب، ولا تکیه، ولا صداع، ولا مرض الّی یذنب. (کلی، 1388 ش: ج 2، ص 268)

آنگاه باشد اگر رنگی از رنگ‌های انسان به ضربان افتد، یا پا ش به سنگ خورد، اسریش درد بگردد، امر ض  
شود، به خاطر گناهی است که مرتکب شده است.

همچنین حضرت علی 7 در دعای که می فرماید:

اللّهم اغفر لی المذتوب الّتی تنزل المنقم.

خدایا گناهی را بر من ببخش که باعث نزول بدبختی می شوند.

از سویی صبر بر مصائبی که به انبیا و اوصیای آنان می رسد، یکی از کمالات بزرگ مردان خدا بوده و باعث ترفیح  
مقام و درجات آنان در بهشت و تقرب بیشتر آنها به پروردگار می گردد.

اهمیت و حکمت مصیبت‌ها  
المف (حکمت آزمون الهی)

یکی از علل آزمون‌های الهی، پرورش استعدادهای نهفته انسان و کشف گوهرهای درونی اوست. آدمی در کوران  
آزمون‌های همانند سنگ معدنی می ماند که در کوره‌های آتش بنهاده می شود تا ناخالصی‌های آن جدا گردد و در  
گرانبهایی درون آن آشکار گردد. (سبحانی، 1425 ق: ج 1، ص 262؛ مکارم ش. رازی، 1386 ش: ج 1، ص 528)

امتحان، همان گونه که برای شکوفایی استعداد انسانی در امور دنیا سودمند است، در تعین هدف اخروی نیز  
نقش مؤثری دارد: جهنم برای کافران و یا بهشت برای مومنان و این هدف با امتحان و آزمون سر می شود. (جوادی  
آملی، 1387 ش، ذیل آ 144 سور آل عمران)

امام صادق 7 از پیامبر خدا 6 نقل می کند که فرمود:

انّ عظم المبلّاء کافا به عظم الجزاء. و اذا احبّ الله عبداً ابتلاه بعض المبلّاء؛ فمن رضی فله المرّاضا عند الله عزّ و جلّ و من سخط المبلّاء فله

المسخت. (ابن بابو 4، 1372 ش: ج 1، ص 18؛ دیلمی، 1412 ق: ج 1، ص 3)

به سبب بلائی بزرگ، پاداش بزرگ داده می‌شود و چون خداوند بنده‌ای را دوست بدارد، او را به بلائی بزرگ گرفتار می‌کند. هر کس راضی باشد، خشنودی خداوند را در پی دارد، و هر کس خشمگین شود، به خشم خدا گرفتار شود.

## ب) حکمت مصائب و بلائی الهی

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهُ إِنَّ ذَلِكُمْ عِنْدَ اللَّهِ لَأَسْرَرٌ (المحید: 22)  
هـ چ مصیبتی، نه در زمین و نه در نفس‌های شما، [به شما] نرسد، مگر آنکه پیش از آنکه آن را بدید آورده‌ام، در کتابی است. آن [کار] بر خدا آسان است.

آیت الهی، بر ارتباط میان اعمال انسان و نظام عالم تأکید دارد. این تأثیر و تأثرات به اقتضای سنت‌های الهی است، مگر آنکه سنت‌دگری از وقوع چنین حوادثی ممانعت به عمل آورد. (طباطبای، 1374 ش: ج 18، ص 86)

بیشتر مصائبی که بر انسان وارد می‌شود، با عمل خود انسان ایجاد شده، اما از آنجا که خداوند، مهربان و رئوف است، اکثر این بلاها را دفع می‌کند و بسیاری از آن‌ها را می‌بخشد تا از سر لطف و رحمت، آثار گناهان را از انسان‌ها بازدارد. (قطب راوندی، 1407 ق: ج 5، ص 356)

اگر خداوند به بندگان خود مهربان نبود، به سبب کردارهای انسان، سبب هلاکت تمام و تمام او می‌شد؛ زیرا انسان‌ها هر روز در گناهی جدید غوطه‌ور می‌شوند و خشم الهی را متوجه خود می‌گردانند. (مدرسی، 1377 ش: ج 12، ص 356)

امام صادق 7 می‌فرماید:

إن الله خص أوله بالمصائب لأجرهم على ما من غير ذنب. (تفسیر منسوب به امام حسن عسکری 7، 1409 ق: ص 631)

خداوند مصائب را به اولاد خود اختصاص داده تا آنان را که گناه نکرده‌اند پاداش دهد.

## اقسام مصائب در قرآن و روایات

آیت ابتلا، آزمایش الهی را شامل تمام جهات وجودی انسان و هر چیزی که به نحوی مرتبط با وی باشد می‌شمرد.

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ عَلِيمٌ (التغابن: 15)

اموال شما و فرزندانتان صرفاً [وسایل] آزمایشی [برای شما] اند، و خداست که نزد او پاداشی بزرگ است.

خداوند انسان‌ها را با هر دو قسم مصیبت می‌آزماید، هم با تنگ‌دستی و دشواری [نقمت] و هم با غنا و راحتی [نعمت]. انسان در تنگ‌دستی و دشواری با «صبر» و در غنا و راحتی با «شکر» آزموده می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید:

وَنَبَلُّوكُم بِالمَشْرِ وَالْمَخْرِ فِتْنَةً. (المائد: 35)

و شما را از راه آزماش به بد و نیک خواهیم آزمود.

1. آزماش و ابتلا از طریق امنیت و آسایش

خداوند هر فردی را به وسیله خاصی که متناسب با اوضاع روحی و اجتماعی اوست، می‌آزماید. یکی از طرق اجرایی سنت ابتلای الهی، بسط دین وی است. قرآن کریم می‌فرماید:

فَإِذَا مَسَّ المَالَ نَسَآءٌ ضُرَّ دَعَانِ إِذَا خَوْلَنَاهُ نِعْمَةً مِّنَآ قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلٰى عِلْمٍ بَلَّهِيَ فِتْنَةً وَلَئِن كُنَّ تُرَدًّا لَّآي عِلْمٍ وَن. (المزمل: 49)  
و چون انسان را آسایی برسد، ما را فراموشی خواند، سپس چون نعمتی از جانب خود به او عطا کند، می‌گوید: آن را فقط به دانش خود افشاندیم. نه چنان است، بلکه آن آزماشی است، ولی به شترشان نمی‌دانند.

حضرت علی 7 در نهج البلاغه خطبه 114 می‌فرماید:

ستايش، خداوندی را سزااست که حمد و ستایش را به نعمت‌ها، و نعمت‌ها را به شکرگزاری بپسندد داد. خدای را بر نعمت‌ها شکر آن گونه ستایش می‌کند که بر بلاها شکر.

نعمت بودن نعمت، به نوع عکس‌المعمل انسان در برابر آن بستگی دارد که شاکر باشد یا کفور. هم‌چنین نعمت بودن نعمت، به نوع عکس‌المعمل انسان در برابر آن بستگی دارد، که صابر و خوشن‌دار باشد یا سست‌عنصر و بی‌اراده. (مطهری، همان: ص 184)

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

لَئِن كُنَّا لَأَنسَاءٌ عَلٰى مَا فَعَلْتُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمُ المَلَلَةُ لَآي حُبٍّ كَلَّ مَخْتَالٍ فَخُورٍ. (الحديد: 23)  
تا بر آنچه از دست شما رفته اندوهگین نشویم و به [سبب] آنچه به شما داده است شادمانی نکنیم، و خدا هیچ خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد.

2. ابتلا در بعد تنگی رزق و گرسنگی

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (العنكبوت: 62)  
خدا بر هر کس از بندگانش که بخواهد روزی را گشاده می‌گرداند و او را بر او تنگ می‌سازد؛ ز را خدا به هر چه ز داناست.

در روایات نیز از این مسئله بارها و بارها مطرح شده و سخنان گرانقدری از ائمه اطهار: در این باره به ما رسیده است.

حضرت علی 7 دربار رزق و روزی چندین می‌فرماید:

وقدر المارزاق فكثيرها وقل لها وفسمها علي المضيق والمسعة، فعدل فيها ليتلي من اراد به سورها و معسورها، ولا ختير بذلك المشكور  
المصير من غنيها وفقرها. (نهج البلاغه، خ 91)

روزی انسان‌ها را تقدیر (اندازه‌گر ری) فرموده؛ گاهی کم، و زمانی زیاد، و به تنگی و وسعت به گونه‌ای عادلانه تقسیم کرده تا هر کس را بخواهد با تنگی روزی اوسعیت آن؛ از ما، و با شکر و صبر، غنی و فقیر را بیازماید.

امام سجاد 7 می‌فرماید:

خداوند، مرا طاقت بر سختی و مشقت، و شک با بی‌بر بلا، و قدرت بر تنگدستی نیست. پس روزی‌ام را منع مکن و مرا به خلق خود وامگذار، بلکه خود به تنهایی از مرا برآور و خودت کارساز من باش. (صحیفه سجایه، 1418 ق: دعای 20)

اما علل و عواملی که موجب تنگی معاش می‌شوند عبارت‌اند از:

الف. تن‌پروری و راحت‌طلبی و شانه‌از زربار مسئولیت‌خالی کردن؛ چنانچه امام صادق 7 از پدرش نقل فرموده که امام علی

کسی که مالک آب و خاک است و در فقر و تهی‌دستی بر سر می‌برد، خداوند او را از رحمت خود دور می‌سازد. (حمیری، 1413 ق: ص 55)

ب. زاده‌روی در صرف مال در هنگام تمکن؛ چنانچه حضرت علی 7 در دعای که می‌فرماید:



اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي الذَّنْبَ الَّذِي تَنَعَّرَ الْمُنْعَمَ.

ج. اخلاق مذموم و سوء معاشرت با مردم؛ حضرت علی 7 فرمود:

کسی که اخلاقش بد است، در مضرت روزی قرار می‌گیرد. (طبرسی، 1412ق: ص 354)

در مقابل، راه‌های برطرف کردن مضرت مالی و تنگدستی عبارت‌اند از:

الف. کار و فعالیت؛ چنان‌که در روایت آمده که کلاب ص داوی می‌گوید: به امام صادق 7 عرض کردم: از خدا بخواه که گشایشی به رزق من عطا فرماید؛ از راه وضع به هم ریخته و مشکل شده است. حضرت بدون وقفه و با سرعت فرمود:

لا، اخرج فاطلب. (کلینی، 1388ش: ج 5، ص 79)

دعا نمی‌کنم، و دنبال کار برو.

ب. مانه روی در اتم ثروتمندی و فقر؛ در ابن‌بازره حضرت رسول اکرم 6 می‌فرماید:

المنجيات فخوف الله في السرور والعناء، والمقصد في الغني والفقر، وكلمة العدل في الرضا والسخط. (حرانی، 1404ق: ص 17، طبرسی، 1385ق: ص 295، فیض کاشانی، 1415ق: ج 6، ص 55)

سه چیز نجات‌بخش است: اول خوف از خداوند در پنهان و آشکار؛ دوم مانه روی در اتم ثروتمندی و فقر؛ سوم رعایت عدل و حق در حال رضا و خشم.

ج. زدودن گناه؛ حضرت علی 7 به کمال بن زید فرمود:

اكرمك لقل عند كل شدة: «لا حول ولا قوة الا بالله» تكفها، وقل عند كل نعمة: «المحمد لله» تزدد منها، و اذا ابطأت المارزاق عليك فاستغفر الله وسع عليك فها. (حرانی، 1404ق: ص 288)

ای که کمال، در هر سختی و مشکلی بگوید «لا حول ولا قوة الا بالله» تا آن مشکل و سختی برطرف شود. در هر نعمتی بگوید «المحمد لله» تا افزون گردد. و چون روزی‌ها بتدریج استغفار کن تا [خدا] در آن‌ها گشایش دهد.

د. حسن خلق و معاشرت نیکو با مردم؛ حضرت صادق 7 فرمود:

حسن خلق، روزی را از آدمی کند و آدمی را از نعمت بشتی برخوردار می‌سازد. (قمی، 1404ق: ج 1، ص 411)

3. ابتدا از طریق اموال و اولاد

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَجْزَعٌ لِّمَن يَشَاءُ مِنَ الْمُتَغَابِرِينَ (15)  
جز این نیست که اموال و فرزندان برای شما وسوسه‌آمیز هستند و خداوند است که پاداشی بزرگ نزد اوست.

کلمه فتنه به معنی گرفتاری‌ها است که جنبه آزمون‌شی دارد. اموال و فرزندان، از مهم‌ترین وسایل امتحان انسان هستند.

امام صادق 7 می‌فرماید: خدای عز و جل خطاب به موسی 7 فرمود:

و اعلم ان كل فتنة بدوها حب الدنيا. (کلینی، 1388ش: ج 2، ص 136)

آگاه باش! آغاز هر فتنه، دوستی دنیا است.

یکی از مهم‌ترین ابزار آزمون‌ش، مال و ثروت است.

حضرت علی 7 فرمودند: المال مائة الشهوات. (نهج البلاغه، ح 58)

ثروت، ریشه شهوت‌هاست.

امام صادق 7 می‌فرماید:

انك ان تمنع في طاعة الله فتفق مثله في معصية الله. (حرانی، 1404ق: ص 408)

مبادا در راه خدا از صرف مال در غن کن؛ در این صورت دو برابرش را در نافرمانی خدا خرج می کنی.

خدای حکیم در مورد نیکان می فرماید:

رَجُلٌ لَا تُلِيهِ مِمَّ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ الْمَلَاءِ. (المور: 37)  
مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا، و بر یاداشتن نماز و دادن زکات، به خود مشغول نمی دارد.

امام علی 7 می فرماید:

1. همان خود را با صدقه دادن، و اموالتان را با زکات دادن نگاه دار، و امواج بلا را با دعا از خود دور ساز. (نهج البلاغه، حکمت 126)

4. ابتدا از بُعد حوادث اجتماعی

برخی از سختی ها و گرفتاری ها به دست خود انسان ها ایجاد می گردد و این گرفتاریها تحت عنوان فتنه ها و سلهای جهت آزماش انسان اند.

عوامل مؤثر در بروز فتنه های اجتماعی عبارت اند از:

1-4. جهل و نادانی

2-4. ترس

مردم در زمان جاهلیت در جهل و نادانی به سر می بردند و بعد هم از خلفا و حکومت زمان خود می ترسیدند و جرئت حرف زدن نداشتند، این مطلب در زمان های مختلف تجربه شده است.

### 3-4. عدم اطاعت از رهبری معصوم بن

اطاعت امت از امام، شرط تکمیل کنندگان امامت است.

امام علی 7 می فرماید:

فإن معصية المناصحة المشقة في المعالم المجرب تورث المحسرة و تعقب المن دامة. (نهج البلاغه، خ 35)

بداند که نافرمانی از دستور فرد خیرخواه مهربان دانا و باتجربه، ما حسرت و سرگردانی و سرانجامش پشیمانی است.

### 4-4. دوستی با شطان و تسلط او بر انسان

وَمَنْ يُتَخَذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ الْمَلَأَةِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا. (النساء: 119)  
و هر کس به جای خدا، شیطان را سرپرست خود برگزیند، قطعاً دستخوش زان آشکاری شده است.

یکی از مهم‌ترین عوامل ضرر و زیان در زندگی آدمی، وجود شطان است. شطان وقتی از درگاه خداوند رانده شد، به عزت خداوند سوگند یاد کرد که همبندگان خدا را گمراه نماید.

شطان در گمراه کردن هر کسی نمی‌تواند توفیق یابد، همان‌گونه که خودش در ادامه سوگندش به این کرده که نمی‌تواند بر بندگان مخلص خدا مسلط شود:

إلّا عبادك منهم المخلصين. (النساء: 83)  
مگر آن بندگان پاک دل تو را.

### 4-5. همنشینی با اهل فسق و فجور

نقش دوست در زندگی انسان بسیار مهم است. دوست خوب با او چنان باشد که نگاه به او انسان را به خدا باندازد و عاملی برای عبادت بیشتر خداوند باشد، نه عامل دوری از خدا و عامل تشویق به گناه باشد وگرنه چنان شخصی از اعوان و انصار شطان بوده و عامل خسران و ضرر می‌باشد.

امام صادق 7 در این مورد می‌فرماید:

اقطع عمن تنسك وصلته ذكر الله و تشلك المفتة عن طاعة الله، فان ذلك من اولاء المشطان و اعوانه... فان ذلك هو المخسران المعبين  
المعظم. (مجلسی، 1403ق: ج 71، ص 160)

قطع رابطه کن با آن کسی که دوستی با او تو را از اد خدا بازمی دارد، و مفت و دوستی با او تو را از اطاعت خدا بازمی دارد، پس چنان کسی از اولاد او اران شطان است... و این دوستی همانا ز انکاری آشکار و بزرگی است.

از دیدگاه قرآن و روایت معصومین: می توان با استعانت از صبر، دعا، صدقه، مناجات با خدا، استغفار، مراقبت و محاسبه نفس، نسبت پاک خالص، جبران گذشته، توبه، ادای حق الله، ادای حق المناس و... با مصائب برخورد کرد.

5. ابتلا از بعد سنت امتحان و املاء و استدراج

5-1. ابتلائی از جنبه امتحان

امتحان به معنای تصفیه و خالص کردن است. «المحنة» معنای کلامی است که به وسایل آن، شخص آزموده شده، و به واسطه گفتارش ناپ داهای درونی و قلبی اش آشکار می گردد.

راغب گوید: «المحن و الامتحان نحو المابتلاء» (امتحان بمانند ابتلاء، آزمودن است). چنان که خداوند متعال می فرماید:

اولی کالذین امتحن الله قلبه هم لیتقوی. (المحجرات: 3)  
آنان همان کسانی هستند که خداوند دل هاشان را برای پرهیزکاری امتحان کرده است.  
الف) انتساب امتحان به خداوند

نسبت دادن امتحان به خداوند، از باب مجاز است؛ زیرا امتحان حقیقی از کسی صادر می شود که عاقبت امر بر او مکشوف نباشد و بخواهد به وسایل امتحان آن را معلوم سازد، در حالی که خداوند از عواقب امور کاملاً آگاه می باشد. پس امتحان خداوند به معنای این است که بدین وسایل بر افراد اتمام حجت کند تا نگویند که اگر در فلان موقعیت قرار می گرفتیم، فلان کار خیر را انجام می دادیم یا از آن کار زشت دست باز می داشتیم.

ب) دن او سبب امتحان است

یکی از انواع امتحانها شایسته است که خداوند از انسان به عمل می آورد، امتحان با دن است. خداوند متعال در باب دن او خصوصاً این را می فرماید:

إن آجعلن آما علی الأرضینة لعلنا لنبلوهم آئهم آسن عملا. (المکف: 7)

در حقیقت، ما آنچه را که بر روی زمین است، زیوری بر روی آن قرار دادیم، تا آنان (انسان‌ها) را بیازماییم که کدام یک از ایشان نیکوترند.

یکی از هدف‌های اصلی پد امبران الهی<sup>6</sup> و اولیاء خدا: آن بوده که مردم را از دن ا و دل‌بستگی بدان نهی کنند.  
حضرت علی  
7 می فرما د:

11 ما المناس انما المدة ا دار مجاز و المآخرة دار قرار، فخذوا من ممرکم لمقرکم. (نهج البلاغه، خ 203)

ای مردم، دن اسرای گذر و آخرت، خانۀ جاو دان است. اینک، از گذرگاه خو ش، برای سرمنزل جاودان توشه  
برگ ر د.

حضرت باقر<sup>7</sup> می فرما ند:

مثل المحر ص علي المدنة ا كمثل دودة القز كل ما ازدادت علي نفسها لفا كان ابعدها من المخرج حتي تموت غمآ. (کلینی، 1388ش: ج 2،  
ص 202)

مثل آدمی که حر ص به دن ا باشد، مثل کرم ابر شمی است که هر چه ب شتر تار بر خود تَنَد، راه فرارش دورتر  
می شود، تا بالآخره از شدت اندوه و تار کی زندان پ لهُ بم ر د.

ج) نقش ابتلا و آزما ش در تربیت انسان

والماتر بن مرتبة تربیت ا بن است که انسان پ وستة خود را در معرض امتحان الهی بب ند و آن را نردبان س ر  
به سوی مقصدی کند که برای آن آفر ده شده است.

اه ر مؤمنان علی<sup>7</sup> می فرما د:

فان المذهب جرب بالمنار، و المؤمن جرب بالمبلاء. (آمدی، 1366ش: ص 99)

همانا طلا با آتش، و بندۀ صالح با بلا امتحان می گردد.

عند الامتحان كرم المرّجل او هان. (آمدی، 1366ش: ص 100)

هنگام آزما ش است که انسان خود را گرمی ا خوار می دارد.

نمونه‌های تربیت الهی در پرتو آزمون‌های گوناگون به مراتب والای کمال دست افتند، چنان که خدای متعال،  
حضرت ابراه م خل ل<sup>7</sup> را پس از ابتلاها و آزما ش‌ها و امتحان‌های فراوان به مقام امامت مردم منصوب کرد. از جمله

امتحانهای: فرمان قربانی کردن فرزند (المصافات: 101 و 106)، قراردادن زن و فرزند در سرزمین خشک بی گاه (ابراهیم: 37)، مهاجرت از سرزمین بت پرستان (مریم: 48)، شکستن بت‌ها (الانبیاء: 60-57)، رفتن در دل آتش (همان: 68) و... پس از اینکه حضرت ابراهیم از همکاران امتحانها و آزمایشها سربلند بود، رون آمد، لاقامت را یافت.

البته ابتلا، آزمایش و امتحان به وسایلی آسان و رفاه و عافیت و راحتی، از امتحان به وسایلی مشکلات و گرفتاریها سخت‌تر است زیرا در این حال، غفلت و لغزش آدمی بیشتر است. تنها کسانی می‌توانند مقام شاکر بودن خود را حفظ کنند و به کفران کشیده نشوند که به توفیق الهی امتحانها و آزمایشها را بشناسند و سخت‌استقامت و پایداری ورزند.

## 2-5. ابتلائی از جنبه املاء

از جمله اموری که خداوند متعال انسانها را با آن می‌آزماید، املاء به معنی مهلت دادن است. نعمت مهلت که عطا حضرت باری تعالی است، با دیدن اطاعت ذات مقدس خداوند صرف‌گردد. البته گناه، سرپیچی از اطاعت خداوند است، و همکاران استحقاق کفر دارند، اما در خصوص گناهی که به امنیت عمومی ضرر نمی‌رسانند، خداوند به گناهکاران مهلت می‌دهد و در مجازاتشان تسریع نمی‌کند. (طبرسی، 1412ق: ص 456-457) این خود یکی از نعمت‌ها و عنایات بزرگ باری تعالی در حق کسانی است که بخواهند از این مهلت، استفاد صحیح کنند، وگرنه این مهلت، عذابی خفت‌بار برای آنها به دنبال خواهد داشت.

خداوند متعال می‌فرماید:

وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ مَلَأُوا كَلِمًا تَتْلُو بِهَا الْكُفُورَ لَمْ يَكْفُرُوا أَنَّمَا نَأْتِيهِمْ لِقَاءًا يُنصَرُونَ وَلَا يَتَذَكَّرُونَ أَلَمْ يَكْفُرُوا بِالْحَقِّ كَافِرِينَ (سوره بقره: 25)  
والبته نباید کسانی که کافر شده‌اند تصور کنند آنکه به ایشان مهلت می‌دهد، بلکه برای آنان نکوست، ما فقط به ایشان مهلت می‌دهیم تا بر گناه خود بفرزایند، و آن گاه عذابی خفت‌آور خواهد داشت.

حضرت علی 7 دربار مهلتی که خداوند به گناهکاران می‌دهد می‌فرماید:

و لئن امهل [الله] المظالم فلن فوت اخذه، و هو له بالمرصاد علي مجاز طر قه. (نهج البلاغه، خ 97)

اگر خداوند، ستمگر را چند روزی مهلت دهد، از بازپرسی و عذاب او غفلت نمی‌کند، و او بر سر راه، در کمین گاه ستمگران است.

امام زین العابدین 7 دربار مهلت دادن می‌فرماید:

و استعملنی بطاعتک فی ایام المهلة. (صحیفه سجادیه، 1418ق: دعای 20)

بار المها، در ا هم عمر که مهلت خودسازی و نزل به کمال انسانی است، مرا به طاعت و فرمانبرداری ذات اقدس وادار ساز.

### 3-5. ابتلائاتی از جنبه استدرایج

خداوند، گروهی از انسان‌ها را به منظور ابتلا و امتحان، به فقر و تنگدستی می‌افکند. زمانی که این اقدامات نتوانست آثار مثبتی داشته باشد و آن افراد در این آزمایش‌ها، موفقیتی کسب نکردند، در مرحله بعد، درهای نعمت را به روی آنها می‌گشا. وسعت روزی و فراوانی نعمت‌ها در این حالت، امتحان دشوارتری است. برای گناهکاران، نعمت «استدرایجی» است و مقدمه‌ای برای مجازات‌های بعدی.

در حدیثی از پیامبر اکرم 6 چنین آمده است:

اذا رايت الله يعطى المعبود من المذنب اعلى معاصره ما يحب فان ما هو استدرایج، ثم تلا رسول الله 6: فلم آسوا ما ذكروا. (طبرسی، 1385ق: ج 3، ص 466)

زمانی که می‌بینی خداوند، در برابر گناهان بنده، به او نعمت می‌بخشد، بدان که «استدرایج» است (مقدمه‌ای برای مجازات).

امیر مؤمنان علی 7 در نهج البلاغه می‌فرماید:

انه من وسع على في ذات ده فلم ر ذلك استدرایجاً، فقد أمن مخوفاً. (مجلسی، 1403ق: ج 70، ص 383)

کسی که خداوند به مواهب و امکاناتش وسعت بخشد، و آن را مجازات استدرایجی نداند، از نشانه خطر غافل مانده است.

### آثار و فواید مصایب و بلاهای الهی

یک گروه از مصایب، بلاهایی است که از جانب خدا و لازم است که امت این دنیا است.

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ. (البقره: 155)  
و قطعاً شما را به چیزی از آفت‌ها، ترس و گرسنگی، و کاهش در اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزمایم و مؤذنه‌ها را شکر باریان را.

مصایب و بلاهایی که حکمت و مصلحت در آنهاست، فوایدی به شرح زیر در بردارند:



1. بیشتر این گونه مصائب و بلاها به ظاهر مصیبت و بلا هستند، ولی در حقیقت رحمت و نعمتند، مانند مداوای بیمار و معالجه او که بر او دشوار می‌آید، لکن وسیله شفای اوست؛ چنانچه در حدیث قدسی آمده است:

ان من عبادی من لا صلحه الّا المفقر، لو أخذتہ لأفسده ذلک. (فیض کاشانی، 1415ق: ج 3، ص 190)

خداوند می‌فرماید که عده‌ای از بندگان من هستند که فقط با فقر، صالح و شایسته می‌گردند؛ پس اگر آنها را بی‌نیازی گردانیم، این بی‌نیازی باعث فساد آنان می‌شود.

2. بسیاری از اخلاق حمیده و صفات حسنه در نتیجه ابتلا به مصائب و گرفتارشدن به بلاهاست و ناملاً حاصل می‌شود، مانند صبر و رضا و تسلیم و حلم و غم‌خواری‌ها. این مصیبت‌ها تأدیب حق برای تربیت خلق است، مانند فرموده سپاهی که سربازان را به کارهای سخت وامی‌دارد تا ورزش ده و کارآموده شوند.

3. مصائب، موجب توجه بنده به خدا می‌گردند و غفلتی را که غالباً در اثر متنعم بودن برای انسان حاصل می‌شود برطرف می‌کنند و انسان را به دعا و بسیاری از عبادات و تحصيل علم که در نعمت برای او سر نمی‌شود موفق می‌گردانند.

4. امتحان است که برای خود بنده و دیگران، حد معرفت و مقام او را معلوم می‌گرداند.

5. بسیاری از مصائب و بلاها موجب ثنوبت و پاداش اخروی هستند.

6. برخی از مصائب، عقوبت دنیوی معاصی هستند؛ خدای تعالی می‌فرماید:

وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ. (المشوری: 30)  
و هرگونه مصیبتی به شما برسد به سبب دستاورد خود شماست و [خدا] از بسیاری از آن‌ها درمی‌گذرد.

7. بلا و مصیبت موجب غفران گناهان و کفار معاصی است و هم‌چنین مکافات است که باعث عبرت و تنبهدگران و رساندن حق به صاحبان حق و انتقام از ظالمان می‌گردد. و بسیاری از حکمت‌های دیگر که از فهم و ادراک بشر خارج است. (طیب، 1378ش، ج 2، ص 254)

## عدالت و مصیبت

قرآن تصریح می‌کند که نظام هستی و آفرینش، بر عدل و توازن است؛ در برخی از آیات، از مقام فاعلیت و تدبیر الهی به عنوان مقام قیام به عدل یاد می‌کند:

شهد الله انّه لا اله الا هو و الملائكة و اولوا العلم قائماً بالمسط. (آل عمران: 18)

خداوند گواهی داده است که معبودی جز او شایسته پرستش نیست، و فرشتگان و عالمان که عدالت را بر پا می‌دارند، نیز بر آن گواهی داده‌اند.

خدای بزرگ، عدل را ترازوی الهی در امر آفرینش می‌داند:

و المساء رَفَعَهَا و وضع الميزان. (المرحمن: 7)

و آسمان را برافراشت و هرگونه ابزار سنجش (با عدالت) را در میان نهاد.

در ذیل همین آیه رسول خدا 6 فرمودند:

بالمعدل قامت السماوات و الارض. (فیض کاشانی، ج 2، ص 638)

آسمان‌ها و زمین به عدل بر پا است.

قرآن کریم حکمت بعثت و ارسال رسل را حاکمیت عدل و قسط بر نظام زندگانی بشر می‌داند:

لقد ارسلنا رسلنا بالبينات و انزلنا معهم الكتاب و الميزان ليقوم الناس بالمسط. (حدید: 25)

همانا فرستادگان خویش را با دلایل روشن فرستادیم و همراه آنها کتاب و مقیاس (قانون) فرستادیم تا مردم بدین وسیله عدل را برپا دارند.

در مورد پیوند «عدل و مصیبت»؛ آیات بر اساس قرآن و احادیث خاندان وحی دیدیم که مصیبت به هیچ وجه ناقض عدل خداوندی نیست، چرا که اگر از جانب خداست یا برای آزمون و اعطاء درجه، یا برای رشد بنده شایسته، و یا به عنوان کفاره گناه اوست. و اگر در اثر رفتار خود بنده است، باز مجازاتی عادلانه برای اهدافی حکیمانه است، از جمله انذار و هشدار بیدار بخش به بنده خطاکار و اصلاح مسیر زندگی او.

#### منابع

- قرآن کریم، محمد مهدی فولادوند، تهران، دارالمقرآن المکرّم، 1415 ق.

- نهج البلاغه، محمد دشتی، قم، مشهور، 1379 ش.

- المصحف المسجّد، ترجمه علی شروانی، قم، المهادی، 1418 ق.

1. آهدی، عبدالواحد بن محمد، غرر المحکم و درر المکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، 1366 ش.

2. ابن بابو 4 قمی، ابو جعفر محمد بن علی (شخ صدوق)، الماهالی، تهران، انتشارات کتابخانه اسلام 4، ترجمه حسن استادولی، 1360 ش.

3. ابن اخبار المرضاة، حمدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق، 1372 ش.

4. ابن طاووس، علی بن موسی بن جعفر، الملهوف، قم، انتشارات قدس، 1380 ش.

5. ابن کثیر دمشقی، اسماء بن عمرو، تفسیر القرآن المعظم، دار المکتب العلمیه، 4، روت، 1419 ق.
6. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، روت، دار المفکر، 1414 ق.
7. بلخی، مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، روت، دار احیاء التراث العربی، 1423 ق.
8. ثقفی تهرانی، محمد، تفسیر روان جاوید، تهران، انتشارات برهان، 1389 ق.
9. امام حسن بن علی، 7، تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، قم، مدرس امام مهدی، 1409 ق.
10. حجتی، سید محمد دباقر، وی آزارش رازی، عبدالکریم، تفسیر کاشف، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1376 ش.
11. خمینی، روح الله الموسوی، چهل حدیث تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1377 ش.
12. دلشاد تهرانی، مصطفی، سه در تزیینت اسلامی، قم، انتشارات دریا، 1383 ش.
13. دلمی، حسن بن ابی الحسن، ارشاد المقلوب الی المصواب، قم، المشرق فی المرضی، 1412 ق.
14. رانج اصفهانی، ابوالقاسم المحسن بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، روت، 1412 ق.
15. \_\_\_\_\_ ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، غلامرضا خسروی حسینی، انتشارات مرتضوی، 1375 ش.
16. رسولی محلاتی، سیدهاشم، تاریخ انبیا از آدم تا خاتم النبیین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1377 ش.

17. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، روت، دارالمکتاب العربی، 1407 ق.
18. شرف‌الدین، سیدعبدالمحسن، المنص و الاجتهاد، علی دوانی، تهران، کتابخانه بزرگ اسلامی، بی تا
19. طبرسی، فضل بن حسن، مکارم الاخلاق، قم، المشر ف المرضی، 1412 ق.
20. —، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، نجف، المکتبة الحد درة، 1385 ق.
21. طب، سیدعبدالمحسن، اط ب المبر ان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، 1378 ش.
22. عبدالمباقی، محمدفؤاد، المعجم المفهرس الفاظ القرآن المکر م، تهران، انتشارات همسفر، 1386 ش.
23. العروسی حو زی، عبدعلی بن جمعه، نور المثل، ن، عقی بخشا شی، نشر نو د اسلام، 1415 ق.
24. فروزانفر، بدع الزمان، احادیث و قصص معنوی، تهران، ام رکیب ر، 1381 ش.
25. قرشی، سیدعلی اکبر، احسن الحدیث، تهران، بناد بعثت، 1377 ش.
26. قطب، ابن بن ابراهیم شاذلی، فی ظلال القرآن، روت، دار المشروق، 1412 ق.
27. قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبة‌الله، الدعوات، قم، انتشارات مدرس امام مهدی 7، 1407 ق.

28. قمی، عباس، منتهی الآمال، ب روت، هجرت، 1404 ق.
29. — سف نة المبحار و مد نة المحکم و الآثار، ب روت، دار المااضاء، 1404 ق.
30. — مفاتح المجان، موسوی دامغانی. تهران: فاض کاشانی، 1378 ش.
31. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دار المکتاب، 1367 ش.
32. کاشانی، فتح‌الله، منهج المصداق، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، 1346 ش.
33. — تنبیه المغافلین و تذکرة المعارفین، ب ام‌حق، بی‌تا.
34. کراچکی، ابوالفتح، کنز المفوائد، قم، دار المذخائر، 1410 ق.
35. کلانی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار المکتب الاسلامی، 1388 ش.
36. گیلانی، عبدالرزاق، مصباح المشرعة و مفتاح المحققه، منسوب به امام جعفر بن محمد 7، تحقیق: مصطفوی، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه، 1360 ش.
37. متقی هندی، علی بن حسام‌الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ب روت، مؤسسه الرساله، 1409 ق.
38. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ب روت، دار احیاء التراث العربی، 1403 ق.

39. مطهری، مرتضی، دست‌گفتار، تهران، انتشارات صدرا، 1378 ش.

40. —، عدل‌المهی، تهران، انتشارات صدرا، 1389 ش.

41. مکارم‌ش‌رازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالمکتب‌الاسلام، 1374 ش.

42. —، آفر دنگار جهان، قم، مدرسه‌الامام علی بن ابی‌طالب، 1386 ش.

43. مغنّی، محمدجواد، المتفسر والمکاشف، تهران، دارالمکتب‌الاسلام، 1424 ق.

44. —، المتفسر والمبین، قم، بنیاد بعثت، بی‌تا

45. هلالی، سلیمان‌بن‌قاسم، اسرار آل‌محمد، تصحیح اسماعیل انصاری زنجانی خوئی، قم، المهادی، 1416 ق.

---

x. استاد ارگروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.  
khiabani2001@hotmail.com

xx. دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

